

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Substantive Challenges in Iran's Criminal Policy Toward Economic Crimes

Behrouz Tolabi<sup>1</sup>, Mahmoud Habibitabar<sup>\*2</sup>, Hamed Rostami Najafabadi<sup>3</sup>

1. Department of Law, Sav.C., Islamic Azad University, Saveh, Iran

2. Department of Law, Sav.C., Islamic Azad University, Saveh, Iran

3. Department of Law, Sav.C., Islamic Azad University, Saveh, Iran

\* Corresponding Author's Email: 0385947801@iau.ac.ir

### ABSTRACT

Economic crimes, as a serious threat to public order, economic security, and public trust, necessitate an effective and coherent response from criminal policy. In Iran, despite the increasing prevalence of economic crimes such as embezzlement, money laundering, tax evasion, and rent-seeking, the existing criminal policy faces significant substantive challenges. These challenges include contradictions in legal concepts, the absence of a comprehensive and exclusive definition of economic crime, fragmentation in criminal regulations, and a lack of proportionality between crimes and punishments. Furthermore, the absence of a clear distinction between economic crimes and other forms of organized crime, deficiencies in criminalizing emerging economic behaviors, and inconsistencies between criminal laws and economic institutions have weakened the effectiveness of the penal response. This article adopts an analytical approach to examine the substantive challenges of Iran's criminal policy toward economic crimes and ultimately proposes recommendations for conceptual and legislative reform.

**Keywords:** *criminal policy, economic crimes, substantive challenges, criminalization*

How to cite: Tolabi, B., Habibitabar, M., & Rostami Najafabadi, H. (2025). Substantive Challenges in Iran's Criminal Policy Toward Economic Crimes. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(1), 1-20.



تاریخ ارسال: ۲۱ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

# چالش‌های ماهوی موجود در سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم اقتصادی

بهروز طولابی<sup>۱</sup>، محمود حبیبی تبار<sup>۲</sup>، حامد رستمی نجف آبادی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲. گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۳. گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: 0385947801@iau.ac.ir

## چکیده

جرایم اقتصادی به عنوان تهدیدی جدی علیه نظم عمومی، امنیت اقتصادی و اعتماد عمومی، مستلزم واکنشی مؤثر و منسجم از سوی سیاست جنایی هستند. در ایران، با وجود گسترش روزافزون جرایم اقتصادی نظیر اختلاس، پول‌شویی، فرار مالیاتی و رانت‌خواری، هنوز سیاست جنایی موجود از نظر ماهوی با چالش‌های جدی روبه‌روست. این چالش‌ها شامل تعارض در مفاهیم قانونی، نبود تعریف جامع و مانع از جرم اقتصادی، پراکندگی مقررات کیفری، و عدم تناسب میان جرایم و مجازات‌هاست. همچنین، نبود تفکیک شفاف میان جرایم اقتصادی با سایر جرایم سازمان‌یافته، ضعف در جرم‌انگاری رفتارهای نوظهور اقتصادی و ناهماهنگی میان قوانین کیفری و نهادهای اقتصادی، موجب تضعیف اثربخشی پاسخ کیفری شده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی، به بررسی چالش‌های ماهوی در سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم اقتصادی پرداخته و در نهایت، پیشنهادهایی برای بازنگری مفهومی و تقنینی ارائه می‌دهد.

**کلیدواژگان:** سیاست جنایی، جرایم اقتصادی، چالش‌های ماهوی، جرم‌انگاری

## ۱- گونه شناسی چالش‌های ماهوی

در این بخش به بررسی و تحلیل برخی از مهمترین چالش‌های ماهوی موجود در سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم اقتصادی خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- عدم جرم انگاری اختلاس در بخش خصوصی

در قوانین مربوطه بسیاری از کشورهای دارای حقوق نوشته، جرم اختلاس به تصاحب و برداشت یا هر نوع مداخله در اموال دولتی توسط کسانی که به دلیل شغل و وظیفه اموال مذکور را در اختیار دارند تعریف شده و یکی از ارکان اصلی جرم اختلاس صفت کارمند دولت بودن یا اشتغال شخص مرتکب در بخش خدمات عمومی بیان شده است (Aghababayi, 2007). کنوانسیون مریدا در ماده ۲۲ با الزام کشورهای عضو به جرم انگاری اختلاس در بخش خصوصی، این جرم را این گونه تعریف می‌کند: «هر کشور عضو اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا ارتکاب اختلاس در حین فعالیت‌های اقتصادی مالی یا بازرگانی توسط شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌نماید از هر مالی وجوه خصوصی یا اوراق بهادار با هر چیز با ارزش که به موجب جایگاه شغلی وی به او واگذار شده است و در صورتی که به صورت عمدی ارتکاب یابد به عنوان جرم کیفری تلقی گردد». همچنین مشاهده می‌شود که این نوع از اختلاس فقط توسط کارمندان بخش خصوصی امکان پذیر است. با این وجود قانون گذار داخلی وقوع اختلاس را به خصوص در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه برداری مختص کارمندان بخش دولتی می‌داند و جرم اختلاس در بخش خصوصی، دارای یک عنوان مجرمانه مستقلی نیست. همان طور که در مورد ارتشاء در بخش خصوصی بیان شد امروزه جداسازی بخش خصوصی از بخش دولتی عملاً دشوار است اما این که پرونده‌های چند سال اخیر بیشتر در بستر فعالیت‌های بخش خصوصی اتفاق می‌افتد آسیب بسیار شدیدتری

تحولات سریع اقتصادی، ظهور الگوهای پیچیده در جرایم سازمان یافته و گسترش بسترهای فناورانه، چهره جرایم اقتصادی را در دهه‌های اخیر به طور اساسی دگرگون کرده‌اند. جرایم اقتصادی نه تنها ساختارهای مالی کشورها را تهدید می‌کنند، بلکه موجب تضعیف اعتماد عمومی به دولت، آسیب به عدالت اجتماعی و کاهش مشروعیت نظام کیفری می‌شوند. از این رو، سیاست جنایی کشورها ناگزیر به بازتعریف روش‌های مقابله با این دسته از جرایم شده‌اند.

در ایران نیز با گسترش فساد مالی، فرار مالیاتی، پولشویی و دیگر مصادیق جرایم اقتصادی، ضرورت بازنگری در سیاست کیفری تقنینی و قضایی در مواجهه با این پدیده‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. با این حال، سیاست کیفری ایران در برخورد با جرایم اقتصادی با چالش‌های ماهوی متعددی روبه‌روست که از جمله آن‌ها می‌توان به ابهام در تعریف جرم اقتصادی، پراکندگی مقررات، نبود انسجام مفهومی و ناهماهنگی میان سیاست گذاری کیفری و اهداف اقتصادی کشور اشاره کرد. بررسی دقیق این چالش‌ها می‌تواند به اصلاح بسترهای قانونی و تقنینی و در نهایت، افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری در مواجهه با تهدیدهای اقتصادی منجر شود.

هدف اصلی این مقاله، تحلیل ساختاری این کاستی‌های ماهوی در سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم اقتصادی است. در این مسیر، ابتدا مفاهیم کلیدی مورد واکاوی قرار گرفته، سپس جلوه‌های ناهماهنگی و تعارض در قوانین موجود تشریح می‌شود و در نهایت راهکارهایی برای اصلاح سیاست جنایی کشور در این حوزه ارائه می‌گردد.

طرح نیست (Aghababayi, 2007). نتیجه این که قانون گذار داخلی باید براساس الزامات پذیرفته شده در کنوانسیون اقدام به تأسیس عنوان مجرمانه اختلاس در بخش خصوصی کند یا با اصلاح قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری، دامنه شمول اختلاس را به کارمندان بخش خصوصی نیز تسری دهد.

#### ۱-۲- عدم جرم انگاری پولشویی الکترونیکی

لزوم این جرم انگاری با توجه به مبنای توسعه ابزارها و روش‌های ارتکاب جرائم اقتصادی توجیه می‌شود. در مقایسه با پولشویی سنتی، پولشویی الکترونیکی دارای دو ویژگی برجسته است که انگیزه قوی برای پولشویی الکترونیکی در استفاده از این روش برای تطهیر عواید حاصل از جرم است چه ماهیت جرم اصلی سایبری باشد و چه نباشد. نداشتن قابلیت رهگیری استفاده از سامانه پول الکترونیکی، مواجهه حضوری طرفین معامله و شناسایی بزه دیده را بسیار تضعیف کرده است که خود زمینه مناسب برای معامله عواید حاصل از جرم در سایه ویژگی غیر قابل ردیابی بودن را فراهم می‌سازد. رمزنگاری و امضای دیجیتال یکی از مهمترین ابزارهایی هستند که در پول و بانکداری الکترونیکی برای اجرای صحیح امور و افزایش ضریب اطمینان کارکردها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به صورت خلاصه کارکرد فناوری رمزنگاری این است که محتوا را به شکل نامفهوم و غیر قابل درک تبدیل می‌کند و برای بازگشت به شرایط اولیه، باید فرایند رمزگشایی اجرا شود (Jalali Farahani, 2005). دیگر ویژگی پویایی محیط مجازی و اینترنت است که مرزهای جغرافیایی کشورها را نادیده گرفته و جهان را مانند دهکده‌ای کوچک نموده است و پویایی مبادلات پولی و مالی را به طور شگفت انگیزی بالا برده است. بنابراین، در فضای مجازی پول الکترونیک در مدت زمان کوتاهی از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود، این پویایی به کمک پولشویان فعال در بستر مجازی می‌آید و کشف پولشویی و تعقیب

به پیکره اقتصاد کشور و سیستم اداری دولت وارد خواهد کرد. اختلاس به عنوان یکی از جرایم مهم اقتصادی در دو دهه اخیر در ایران به عنوان پرتکرارترین جرم بوده است و نیاز به سیاست کیفریدقیق تری دارد. امری که کنوانسیون مریدا در مواد ۱۷ و ۲۲، همچون زنگ خطری برای کشورهای عضو گوشزد می‌کند متأسفانه از سوی قانون گذار کیفری مورد بی توجهی قرار گرفته است.

با این حال، برخی با این استدلال که اختلاس در بخش خصوصی، خیانت در امانت است که در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی آمده است و بنابراین می‌تواند به عنوان خیانت در امانت در نظر گرفته شده و مجازات شود؛ عنوان کرده اند که نیازی به جرم انگاری مجزای اختلاس در بخش خصوصی دیده نشده است (Farahmandfar, 2009) در پاسخ باید گفت که اساساً جرم خیانت در امانت در روابط خصوصی بین افراد معمولی اتفاق می‌افتد که با زیر پا گذاشتن قرارداد امانی توسط شخص امین تحقق می‌یابد در حالی که در اختلاس کارمند بخش خصوصی فوق الذکر در ماده ۲۲ کنوانسیون مریدا، وصف کارمند بودن از اهمیت حائز اهمیت می‌باشد به این دلیل که عهده دار یک وظیفه قانونی در راستای فعالیت‌های اداری و مالی دولت می‌باشد، مانند کارمندان ادارات پست خصوصی. مجازات خیانت در امانت شش ماه تا سه سال حبس می‌باشد، در حالی که مجازات مقرر برای اختلاس در بخش دولتی با توجه به مبالغ مورد اختلاس از حداقل ۶ ماه حبس تا حداکثر ۱۰ سال حبس است. با توجه به عدم تفاوت بین کارکنان بخش دولتی و خصوصی از نظر وظایف محوله اعمال مجازات خیانت در امانت در این خصوص با جرم متناسب نیست علاوه براین، بحث سپردن مال که در جرم خیانت در امانت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است در جرم اختلاس به صرف در اختیار بودن اموال به مناسبت شغل و وظیفه و تصرف یا تصاحب آن برخلاف وظیفه تحقق عینی یافته و دفاع سپرده نشدن مال به مرتکب قابل

پولشویی مصوب ۱۳۸۶ قانون گذار داخلی شروع به پولشویی را جرم انگاری نکرده است. موضوعی که با الحاق به کنوانسیون مربوط از وظایف جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود به فراموشی سپرده شده است. شاید در پاسخ برای پر کردن این خلا قانونی این گونه استدلال شود که علیرغم قواعد کلی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص شروع به جرم بتوان شروع به جرم پولشویی را مورد مجازات قرار داد، اما با دقت در ماده ۱۲۲ قانون مذکور که در مورد شروع به جرم و مجازاته‌ای آن است متوجه می‌شویم که قانون گذار فقط در جرائم تعزیری مستوجب حبس تعزیری درجه ۱ تا ۵ قائل به جرم انگاری شروع به جرم شده است، حال آن که مجازات مقرر در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم می‌باشد و با هیچ یک از سه بند مذکور در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مطابقت ندارد، بنابراین لزوم جرم انگاری شروع به جرم پولشویی احساس می‌شود و قانون گذار در راستای جرم پنداشتن این نوع از شروع به جرم لازم است قانون مبارزه با پولشویی را اصلاح کند.

#### ۱-۴- عدم جرم انگاری جرایم حوزه بانکی

بانک‌ها نقش تعیین کننده‌ای در اداره کشورها دارند و یکی از مهمترین ابزارهای رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شوند. به طور کلی بانک‌ها با جذب نقدینگی و اعطای تسهیلات می‌توانند در رشد و توسعه اقتصادی کشور نقش مؤثری را ایفاء کنند (Saki, 2012) در اقتصاد ملی بانک‌ها به عنوان نهادهای مالی عهده دار واسطه گری مالی هستند و از این رو کارکردهای پس انداز، سرمایه گذاری، تولید، اشتغال و رشد در اقتصاد ملی تحت تأثیر تصمیمات، اقدامات بانک‌ها قرار دارند. با توجه به نقش و اهمیت بانک‌ها و نهادهای بازاری به عنوان بسترهای اجرای سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری و نقش غیر قابل انکار نحوه عملکرد این نهاد بر نتایج سیاست گذاری‌ها در سایر حوزه‌های

آن‌ها را در سطح داخلی کشورها سخت تر می‌سازد (Noorzad, 2010).

اقدامات انجام شده توسط پولشویان در فضای مجازی و در بستر مبادلات الکترونیکی هرچند از لحاظ ماهوی در مراحل سه گانه پولشویی سنتی تفاوت زیادی ندارد و شاید به همین دلیل، قانون جرائم رایانه‌ای که در سال ۱۳۸۸ به تصویب رسید نسبت به جرم انگاری پولشویی الکترونیکی سکوت کرده است ولی با این حال از نظر به کارگیری امکانات و قابلیت‌های بدون مرز فضای سایبری و مبارزه مؤثر با این پدیده لازم است مانند بسیاری از کشورها به عنوان جرمی مستقل از پولشویی سنتی جرم انگاری شود. البته با اعمال اقدامات پیشگیرانه وضعی با اندکی رعایت ضوابط خاص مالی و رفتاری در فضای تجارت الکترونیکی می‌توان پاسخی مناسب تر از یک واکنش کیفری سرکوبگر، نسبت به این نوع از جرائم نشان داد. این مسئله در بندهای ۱۸۰ تا ۱۷۸ گزارش یازدهمین کنگره پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ نیز به عنوان مهمترین دغدغه امروز دولت‌ها اعلام و بر لزوم تدوین سیاست کیفری مؤثر به منظور جلوگیری از ایجاد بهشت‌های امن برای پولشویان الکترونیکی تأکید شده است. در ضمن، مواد ۱۴ و ۲۳ کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا نیز بر لزوم جرم انگاری در این زمینه تأکید کرده است (Ghannad, 2008).

#### ۱-۳- عدم جرم انگاری شروع به جرم پولشویی

در بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون مریدا تحت عنوان شروع به جرم بیان شده است: «هر کشور عضو، می‌تواند قوانین و یا سایر اقدامات ضروری را اتخاذ نماید تا طبق قوانین داخلی خود هر تلاشی جهت ارتکاب جرمی که طبق این کنوانسیون احراز شده، جرم کیفری تلقی شود». همچنین مطابق ردیف (۲) جزء (ب) بند یک ماده ۲۳ کنوانسیون مذکور، کشورهای عضو موظف به جرم انگاری شروع به جرم پولشویی می‌باشند. با این اوصاف در قانون مبارزه با

اقتصاد، مقوله سلامت بانکی به عنوان شاکله اصلی ثبات مالی کشور، از اهمیت بالایی در ایجاد ثبات اقتصادی کلان برخوردار است. لذا با توجه به نقش تأثیرگذار بانکها در اقتصاد کشورها، عدم توجه قانونگذار به جرایمی که در حوزه فعالیت بانکها اعم از دولتی و خصوصی جرم انگاری شده اند، به هیچ وجه قابل توجه نیست. جرایم ارتكابی در حوزه فعالیت‌های بانکی مسلماً جرم اقتصادی هستند و قانون باید آن‌ها را ذیل این عنوان در نظر بگیرد. جرایم مربوط به نظام بانکی شامل جرایم عمومی مرتبط با نظام بانکی مانند پولشویی، اختلاس، جعل و سرقت و نیز جرایم خاص نظام بانکی مانند جرایم مرتبط با بانکداری الکترونیکی، کلاهبرداری در اعتبارات اسنادی و جرایم مرتبط با صدور ضمانت نامه‌ها می‌شود (Abdolmaleki, 2012). لازم به ذکر است ارائه فهرست کاملی از جرایم مغفول مانده توسط قانونگذار علاوه بر آنکه از هدف و حوصله این رساله خارج است، نیازمند اشراف بر برداشت قانونگذار از نظام اقتصادی و اولویت‌های حمایت کیفری، در فرضی که متوجه این جرایم شود، خواهد بود.

#### ۱-۵- عدم جرم انگاری جرایم حوزه بورس

جرایم بازار سرمایه براساس هر تعریفی که برای جرم اقتصادی بیان شود، از مهمترین مصادیق جرایم اقتصادی می‌باشند (Ghorbani & Bagheri, 2010) فعالیت بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از ابزارهای مالی و اقتصادی در هر کشوری، از نقش مؤثری در گردش سرمایه و رونق اقتصاد آن کشور برخوردار است و همین وضعیت در مورد بورس کالا هم صادق است. فعالیت بورس در جنبه مثبت آن می‌تواند در رشد اقتصادی کشور مؤثر باشد. حال با توجه به چنین اهمیتی که بازار سهام و بورس اوراق بهادار دارد، سلامت کاری و رعایت امانت داری و مقررات و ضوابط حاکم در آن بسیار مهم می‌باشد (Mohaghegh Damad, 2019). بنابراین بورس به عنوان یکی از مؤثرترین نهادهای نظام اقتصادی کشور باید تحت حمایت کیفری قانونگذار

واقع شود که در برخی قوانین از جمله قانون بازار اوراق بهادار به آن پرداخته شده است و جرایم بورسی در مواد ۴۶ تا ۵۲ آن قانون جرم انگاری شده است. نکته عجیب این است که قانون مجازات اسلامی از احصاء جرایم بورسی در تبصره ماده ۳۶ غفلت کرده است. به خصوص در نظام اقتصادی در حال گذار کشور ما، نقش بورس در اقتصاد برجسته‌تر است. انجام معاملات متکی بر اطلاعات نهانی، دستکاری در بازار اوراق بهادار، عدم افشای اطلاعات با اهمیت در بازار اوراق بهادار و افشاء اطلاعات نهانی در غیر موارد مقرر، مصادیق مهم جرایم تخصصی در حوزه بورس هستند که باید قانونگذار در قانون مجازات اسلامی آن‌ها را به عنوان جرم اقتصادی شناسایی کند.

#### ۱-۶- عدم تناسب مجازات‌ها - ارائه راه حل

از باب مکافات گرایی، بر اساس عدالت، مکافات و سزای عمل باید متناسب با خود عمل باشد. براساس نظر افلاطون رفتار برابر با نابرابرها موجب نابرابری است و ارسطو درباره عدالت معتقد است که باید با برابرها رفتار برابر و با نابرابر رفتار نابرابر داشت (Garland, 1990). اصل تناسب در مجازات‌های اسلامی با اینکه ملاک عقوبت‌های اسلامی متفاوت است از حیث میزان مجازات، بر خلاف حدود، کمیت مجازات‌های تعزیری به صلاحدید قانون گذار واگذار شده است که باید متناسب با جرم و حال بزه کار باشد (Mohaghegh Damad, 2019). درقصاص نیز سستی ترین مفاهیم تناسب یعنی مقابله به مثل، رعایت شده است. سزادهی درطول تاریخ با عبارات مختلفی بیان شده است، توجیهاتی همچون جبران دین، الغای جرم، تهذیب مجرم، اصلاح امتیاز مجرمانه، ارضاء احساسات و انتقال پیام سرزنش. لذا رویکرد انتقال پیام سرزنش از طریق مجازات را بهترین راهنما برای تعیین مجازات متناسب می‌دانند، بدین مفهوم که مجازات متناسب با جرم، مجازاتی است که به تصریح درجات

عدم تأیید اجتماعی رفتار مجرمانه پرداخته و مقدار قبح عمل را به زعم جامعه معلوم سازد (Ellis, 2005).

به گفته بکاریا اگرچه نمی‌توان بین ترکیبات بی نهایت انسان، محاسبه‌ای هندسی را به کار برد، اما برای قانونگذار خردمند همین کافی است که تقسیمات اساسی را تعیین کند و مراقب باشد برای جرایم درجه اول، مجازاتهای درجه آخر را اختصاص ندهد (Beccaria, 2021). با قبول چنین انتظاری از اصل تناسب نه تنها می‌توان به آرای عدالت استحقاقی امیدوار بود بلکه به لحاظ فایده گرایی نیز فوایدی برای اجتماع خواهد داشت: اجرای اصل تناسب مانع سردرگمی اخلاق عمومی، شناور شدن قانون و وهن به آن می‌شود.

موجب تقویت حس قانون مداری شهروندان ناشی از اعتقاد به وجود مجازات‌های منصفانه می‌گردد و اعتقاد به وجود مجازات‌های منصفانه همکاری بیشتر مردم را با مقامات کشف جرم به همراه دارد و منجر به گزارش و حل و فصل بیشتر جرایم و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی می‌گردد.

متناسب ساختن مجازات با جرم مستلزم گذراندن سه مرحله است اول درجه بندی جرایم برحسب شدت آن‌ها دوم درجه بندی مجازات‌ها بر حسب شدت آن‌ها و سوم تطابق دادن مجازات‌ها با جرایم که البته اقتصاد و عوامل دیگری نیز در این زمینه تاثیرگذار است.

با توجه به شدت مجازات‌های سالب حیات و آزادی نسبت به سایر مجازات‌ها و همین طور تصریح تبصره ۳ ماده ۱۹۹ ق.م که بیان می‌دارد: در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر، مجازات حبس، ملاک تشخیص مجازات شدیدتر است با نگاهی به مجازات‌های تعیین شده برای مصادیق جرایم اقتصادی درجه اهمیت این جرایم به شرح زیر تقسیم بندی می‌گردد::

۱- این جرایم علاوه بر شدت مجازات‌های سالب آزادی در مواردی که به قصد مقابله با نظام صورت گیرد مجازات محارب فی الارض را در پی خواه داشت که از این منظر دارای شدیدترین مجازات‌ها می‌باشد.

اخلال در نظام اقتصادی پنج تا بیست سال حبس<sup>۱</sup>

رشاء و ار تشاء (در قسمت سوم یعنی میزان بیش از یک میلیون

ریال) پنج تا ده سال

اختلاس دو تا ده سال

کلاهبرداری یک تا هفت سال (برای کارکنان دولت و واردخاخص

تشدید شده ۲ تا ۱۰ سال)

اخذ پورسانت: دوتا پنج سال

مداخله وزراء دو تا چهار سال

جعل اسکناس و قلب سکه، رایج ارزی و بانکی، حبس از یک تا ده

سال.

تبانی در معاملات خارجی: یک تا سه سال

اعمال نفوذ برخلاف حق: یک تا سه سال

جرایم مالیاتی سه ماه تا دوسال

تعدی ماموران دولتی سه ماه تا یکسال

تصرف غیر قانونی علاوه بر پرداخت خسارت وارده و پرداخت

اجرت المثل به ۷۴ ضربه شلاق و جزای نقدی.

قاچاق کالا و ارز، درموردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق

معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد، ادارات و سازمان‌های ذیربط

فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا می‌کنند. در مواردی که

بهای کالا و ارز از ده میلیون ریال تجاوز کند چنانچه متهم در مرحله

اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر بهای آن

به عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز

اقدام می‌شود.

پول شویی: علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم

مشمول بر اصل و منافع اصل (واگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به

جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم.

۱- این جرایم علاوه بر شدت مجازات‌های سالب آزادی در مواردی که به قصد مقابله با نظام صورت گیرد مجازات محارب فی الارض را در پی خواه داشت که از این منظر دارای شدیدترین مجازات‌ها می‌باشد.

سوءاستفاده از معاملات دولتی مصرح در مواد ۵۹۹، ۶۰۱ و ۶۰۲ حبس از شش ماه تا پنج سال و انفصال موقت از سه ماه تا سه سال و ۷۴ ضربه شلاق.

حال باید بررسی شود برای تعیین مجازات برای عناوین مختلف جرایم اقتصادی این نسبت رعایت شده است یا خیر؟

با اندک تأملی بر مجازات های تعیین شده می توان دریافت که: قانونگذار جرم کلاه برداری را که غالباً متضرر آن فرد یا شخص حقیقی است در مقایسه با جرم اخذ پورسانت که می تواند منافع عمومی جامعه را قربانی نفع شخصی مامور خرید دولتی نماید و وجهه دولت را در مجامع بین المللی با زیر سوال بردن امانت داری کارکنان آن مورد تعرض قرار دهد، و علاوه بر آن میزان خسارت مادی و معنوی آن به مراتب بیشتر از کلاه برداری است و مجازات کلاه برداری به علت داشتن شاکی خصوصی بهتر و بیشتر از جرم اخذ پورسانت قابل کشف و پی گیری است.

اگر اخذ پورسانت فاقد متضرر خصوصی است و غالباً به شکل پنهانی و به دلیل عدم وجود متضرر شخصی و نفع حاصل از معامله با، طرف مقابل خود عملی برای جلوگیری از کشف و پیگیری جرم می باشد در تعیین مجازات به این مهم توجه نکرده و مجازات کلاه برداری در نظام حقوقی ما بیشتر از مجازات جرم اخذ پورسانت می باشد. مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و... در معاملات خارجی در درجه اول به علت نفوذ آن ها در مراکز اقتصادی و بازرگانی دولت، و در درجه دوم به دلیل میزان زیاد وارده بر اقتصاد و منافع عمومی به هیچ عنوان قابل مقایسه با جرم اخذ پورسانتی که مامور ساده دولتی و حتی دریافت رشوه یا اختلاس او خواه به علت شدت و زیان وارده و همین طور آثار سوء آن در سلب اعتماد عمومی نسبت به کار گزاران ارشد آن نیست ولی مجازات تعیین شده برای این جرم در مقایسه با جرایم ذکر شده بسیار ناچیز می باشد.

تبانی در معاملات خارجی که مستلزم سوءنیت آشکار در توسل به اقدام مجرمانه در جهت تامین منافع شخصی در قبال متضرر شدن کلان دولت و عموم جامعه است در مقایسه با جرم دریافت پورسانت که ممکن است نه با درخواست مامور خرید و نه با تبانی او با شرکت فروشنده پرداخت شود، جرمی به مراتب شدیدتر است که متأسفانه جرم دریافت پورسانت به مراتب سنگین تر از تبانی در معاملات خارجی است.

جرایم مالیاتی که به مفهوم ترمرد صاحبان حرف و مشاغل مختلف به عنوان مودیان مالیاتی از پراخت این حق عمومی به حساب خزانه عمومی دولت و سر منشاء شکاف طبقاتی و مولد بسیاری از معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و از حیث شدت آثار مخرب آن می توان گفت همسنگ با جرایمی مانند اختلال در در نظام تولیدی، توزیعی و به طور کل اختلال در نظام اقتصادی کشور می تواند محسوب شود، متأسفانه از کم اهمیت ترین جرایم اقتصادی از نظر قانونگذار کیفری ایران می باشد.

تصرف غیرقانونی در اموال دولتی که متأسفانه بسیار متداول هم می باشد به لحاظ اهمیت و آسیب شنایی آن و به دلیل فراگیری آن از سوی کارکنان دولت که معمولاً در ازای عمر خدمتی آنان ممکن است رخ دهد و غالباً به علت عدم وجود شاکی خصوصی یا کشف نمی شود یا با چشم پوشی مسئولین امر، حتی تعقیب کیفری هم نمی گردد اگر بیشتر از جرایمی مانند اختلاس و کلاه برداری نیست، کمتر نیز نخواهد بود، اما قانونگذار ایران توجه چندانی به آن نکرده است.

قاچاق کالا و ارز از مهلک ترین جرایم اقتصادی می باشد که به دلیل آثار زیان بار آن در امر تولید داخلی و تضعیف صنایع داخلی، بیکاری، فقر و از همه مهمتر وابستگی اقتصادی و... است که متأسفانه قانونگذار ایران حتی مایل به پی گیری کیفری آن نیست و تنها به دریافت مال یا جزای نقدی در محاکم غیر قضایی بسنده کرده است و راه سوءاستفاده های کلان از این روش را برای

می‌شود که کاری ناصحیح است و همین موضوع باعث تعیین کیفر می‌شود در حالی که شدت کیفر با شدت رفتار و نتایج حاصله از آن باید ارزیابی شود. به عنوان نمونه قانونگذار برای تشدید کیفر در جعل اسکناس یا اخلال در نظام اقتصادی کشور، شدت عمل و نتایج زیانبار آن و میزان خسارت به شهروندان سنجیده نمی‌شود بلکه قانونگذار به دنبال این است که قصد مقابله با نظام را داشته است یا خیر، گاهی نیز قانونگذار شدت کیفر را بر همه دست اندر کاران جرم اعمال کرده است بی اینکه پشتوانه مبنایی و فلسفی داشته باشد مانند ماده ۷ قانون راجه به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۳۶ که متخلفین از مواد ۳ و ۵ و ۶ این قانون اعم از مباشر، شریک و معاون متضامنا علاوه بر پرداخت مبلغ مورد تعهد به جزای نقدی معادل پنجاه درصد مبلغ موضوع عمل یا معامله ممنوع محکوم می‌شوند.

براساس مراتب فوق مجازات‌های تعیین شده نه با قدیمی ترین معیار برای تعیین و ارزیابی مجازات‌های متناسب «معیار صدمه وارده بر قربانی و جامعه» (Al Benson & Simpson, 2012) نه با تناسب غیر مقایسه‌ای و نه تناسب براساس توجه به جنبه ذهنی مرتکب همخوانی ندارد و به دلیل فقدان تناسب بین مجازات و جرم، متخلفان و مجرمین حرفه‌ای از ضعف قوانین حداکثر بهره را می‌برند، در این میان شرکت‌های خصوصی به عنوان شخصیت‌های حقوقی به عنوان بستری برای سرپوش نهادن بر تخلفات اعضاء و مدیران مربوطه رفتار می‌نمایند که این وضعیت در مورد شرکت‌های دولتی و موسسات وابسته به دولت بسیار پیچیده تر است و حتی می‌توان گفت مجازات‌های تعیین شده در قبال جرایم اقتصادی کاملا نامتناسب بوده و از کارایی لازم در قبال جرایم اقتصادی برخوردار نیست.

راه کار پیشنهادی نسبت به چالش فوق به شرح ذیل ارائه می‌گردد: در این موارد باید پذیرفت که تناسب میان جرم و مجازات به معنای یک تناسب قطعی و ریاضی نیست. عدم امکان رعایت کامل نباید

باند‌های تبهکاری باز نموده تا با اجیر کردن جمعیت زیادی از بیکاران جامعه و سوءاستفاده از آنان، منافع سرشاری را ازدست رنج این افراد کسب نموده بی آنکه حتی نگران عواقب مجرمانه خود باشد و یا حتی در صحنه حضور داشته باشد.

تمامی اعمال مجرمانه‌ای که نهایت آن کسب سود و منفعت مالی است به این امید توسط مرتکبین مالی انجام می‌شود که روزی با خیال راحت توسط آن‌ها مورد بهره برداری قرار گیرد و این اتفاق رخ نمی‌دهد مگر اینکه منشاء این اموال، قانونی جلوه داده شود که با جرم پولشویی ممکن می‌شود که در نظام کیفری ما تا سال ۱۳۸۶ جرم انگاری نشده بود و جرم انگاری آن بیش از چهار سال طول کشید و متأسفانه شکل جرم انگاری آن به نحوی است که با اغماض بتوان نیت مقابله با آن را از قانون تصویب شده برداشت کرد و از حیث شدت مجازات تعیین شده کم اهمیت ترین جرم اقتصادی در منشور جرایم اقتصادی ایران محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد راجع به رعایت اصل تناسب در قانون اساسی حکمی دیده نمی‌شود البته در قوانین عادی شواهدی در این زمینه وجود دارد، مهمترین آن بند ۶ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های انقلاب در امور کیفری است که یکی از موارد اعاده دادرسی را متناسب نبودن کیفر مورد حکم با جرم به علت اشتباه قاضی می‌داند. علاوه بر این در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی تناسب مجازات‌های خاص با جرم و خصوصیات مجرم در هنگام صدور حکم مورد اشاره قرار گرفته است. همان طور که مشاهده می‌شود این مستندات مربوط به تناسب قضایی مجازات است و برای تناسب تقنینی مجازات با جرم مستنداتی وجود ندارد مگر اینکه تناسب، در منابع شرعی جستجو شود که این امر در باب مجازات‌های اسلامی یک اصل است که مجازات باید متناسب با جرم باشد.

(Mohaghegh Damad, 2019).

شدت کیفر اساسا تطبیقی با جرم ارتكابی در سیاست کیفری ایران ندارد و در برخی موارد شدت رفتار با قصد مرتکب سنجیده

منجر به رهاسازی کل تناسب شود بلکه باید همچنان به دنبال تناسب بود و درعین حال محدودیت‌های آن را قبول کرد زیرا هیچ نظامی از مجازات وجود ندارد که کامل و عاری از نقص باشد. در حقیقت غالب اعضای جامعه، جرایم را با شدت نسبی مشابهی درجه بندی می‌کنند. بدین مفهوم که مبنا و اساسی برای ارزش‌های مشترک وجود دارد که می‌تواند معیار تعیین مجازات باشد. حتی در جوامع متکثر نیز چنین ارزش‌های مشترکی وجود دارد. بنابراین کار را باید از این ارزش‌ها شروع و سپس توسعه یابد (Ashworth, 2003).

#### ۱-۷- عدم توجه قانون گذار به تعیین ضمانت اجرای مناسب برای برخی مصادیق جرایم اقتصادی - راهکار

جرایم اقتصادی اصولاً به دلیل طبیعت خاص خود و همچنین پیشرفت تجهیزات ارتباطی و ظهورگونه‌های خاص و جدید مبادلات تجاری به اشکال مختلف بروز پیدا می‌کند. پاسخ به جرایم اقتصادی یکی از چالش برانگیزترین موضوعات مربوط به این جرایم است به طوری که جرایم اقتصادی هیچ گاه با کیفرهای پیش بینی شده توسط قانون گذار، تناسب واقعی نداشته است (Noorzad, 2010). با نگاهی بر مجازات‌های تعیین شده در مورد جرایم مالیاتی می‌توان به این موضوع پی برد. به عنوان مثال مواد:

ماده ۱۹۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۳/۱۲: مؤدیانی که اظهار نامه آن‌ها در اجرای مقررات ماده ۱۵۸ این قانون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، در صورتی که درآمد، مشمول مالیات مشخصه قطعی با رقم اظهار شده از طرف مؤدی بیش از پانزده درصد اختلاف داشته باشد علاوه بر تعلق جرایم مقرر مربوط که قابل بخشودن نیز نخواهد بود تا سه سال بعد از ابلاغ مالیات مشخصه قطعی از هرگونه تسهیلات و بخشودگی‌های مقرر در قانون مالیات‌ها نیز محروم خواهند شد.

ماده ۱۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۳/۱۲: جریمه تخلف مدیر یا مدیران تصفیه درمورد تقسیم دارایی شخص حقوقی قبل از تصفیه امور تصفیه شخص حقوقی یا قبل از سپردن تأمین مقرر در موضوع ماده ۱۱۸ این قانون معادل ۲۰٪ مالیات متعلق خواهد بود که از مدیر یا مدیران تصفیه وصول میگردد با عنایت به میزان مجازات تعیین شده که عبارتست از درصد ناچیزی از مالیات‌های پرداخت نشده و بدون اعمال مجازات‌های دیگر، نشان از کم اهمیتی قانونگذار به این حوزه سرنوشت ساز و مهم در مسیر توسعه عادلانه اقتصادی جامعه دارد.

با بررسی مجازات‌های مقرر شده درخصوص جرایم قاچاق کالا و ارز مانند ضبط کالا در جرایم زیر یک میلیون تومان و ضبط کالا به علاوه جزای نقدی به میزان دو برابر مواردی که موضوع جرم بالای یک میلیون تومان است بیانگر این است که:

الف) قانونگذار با نوعی تردید توأم با مصلحت اندیشی و پرهیز از ارجاع موضوع به مقامات قضایی، توسل به یک راهکار رسیدگی غیرقضایی و اداری را پیشنهاد داده است که پیامی جز تردید قانونگذار و کم اهمیت بودن این جرایم برای مجرمین و عموم مردم ندارد.

ب) با استتکاف از اعمال مجازات‌های شدیدتر مانند حبس و آزادی مجرم بلافاصله پس از پرداخت جزای نقدی با تسامح نا به جای خود علاوه بر افزایش احتمال ارتکاب این جرم از سوی اقشار آسیب پذیر جامعه خصوصاً مرزنشینان شائبه ارتکاب بانندی آن را قوت بخشیده و نهایتاً با ضبط مال و دریافت جریمه و رهایی مجرم، سرزنش پذیری عمومی آن را به نازل ترین سطح ممکن پایی آورده است و از دیدگاه مجرمین علت مخالفت دولت با رفتار آن‌ها نه قبح عمل و آثار زیان بار آن بلکه دریافت جریمه یا باج و باج خواهی دولت پنداشته می‌شود.

حال اگر مشکلات اجتماعی مردم و عدم تأمین معاش و ارتزاق آن‌ها را که به مسئله اصلی زندگی شان تبدیل شده است را به مسئله

راهکاری که برای این مشکل می‌توان بیان نمود این است که با توجه به میزان مجازات تعیین شده که، نشان از کم اهمیتی قانونگذار به این حوزه سرنوشت ساز و مهم در مسیر توسعه عادلانه اقتصادی جامعه دارد باید در راستای برطرف کردن این چالش قانونگذار با الحاق اصلاحیه ای در خصوص این جرایم، ضمانت اجرای شدیدتری رابه تصویب رساند تا باعث افزایش سرزنش پذیری عمومی جرایم و مجازات‌ها در عامه مردم شود.

#### ۱-۸- عدم حتمیت و قطعیت جریمه‌ها - راهکار

بکار یا تجهیز مجازات‌ها به امنیت و یقین یا به عبارتی اعتماد عمومی به جرم را، ضامن ارعاب آن می‌دانست (Pradel, 2009) و به همین دلیل از قانونگذاران خواست تا مجازات‌های شدید را حذف کنند. زرادخانه جنایی آن‌ها همچنین لغو نهاد عفو را در نظر گرفته است که امید فرار از مجازات را در دل مجرمان ایجاد می‌کند، به دلیل نقض دو اصل متمایز از سایر نیازها و لوازم، جامعه ترساندن مجازات را در بر می‌گیرد (Noorba, 2020). در قوانین مربوط به مفاسد اقتصادی در برخی موارد اهمیت دارد شرح زیر رعایت نشده است:

در متن برخی از قوانین مانند ماده ۵۲۱ تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۵ آمده است که هر گاه مرتکب جرایم موضوع مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ قبل از رسیدگی به موضوع ارتکاب جرم یا در حین تعقیب با اعتراف آن‌ها به دادستان اطلاع دهند. فراهم آوردن وسایلی برای تسهیل دیگران یا کمک و راهنمایی مؤثر کارکنان دولت در کشف جرم به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی مربوط یا تأیید دادگاه یا تصمیم دادگاه به آن‌ها داده می‌شود. در مجازات خود امتیاز مناسبی داشته و بر حسب مورد از مجازات حبس رهایی می‌یابند مگر اینکه ثابت شود قبل از دستگیری توبه کرده اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های فوق معاف می‌شوند.

به نظر می‌رسد هدف و مقصود قانونگذار تشویق متهم به معرفی خود و همکاری‌اش باشد، اما استفاده از این امر برای لغو کل حکم

فوق اضافه کنیم و مشکلات عدیده ای مانند حضور رانت خواران، آقازاده‌ها، نو کیسه ها... را نیز در جامعه در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که تلاش برای ارتزاق خانواده نه تنها امری مزموم و ناپسند نیست بلکه مخاطرات احتمالی آن در برخی موارد برای افراد می‌تواند امری پسندیده و حتی مقدس تلقی شود به خصوص اگر بدانیم این جرم فاقد ریشه فقهی و شرعی است (Saki, 2012) و جرم انگاری آن تنها در قالب احکام حکومتی و تنظیم مقررات دولتی است و دلیل اصلی بروز آن ناکارآمدی سیاست‌های دولت است، دیگر قبحی برای ارتکاب این جرم برای افراد سالم و نیازمند جامعه در صورت دسترسی و توان انجام این کار باقی نمی‌ماند و تبهکاران حرفه‌ای نیز که به دنبال فرصت هستند هم از خلاءهای قانونی و هم رغبت مجرمین خرده پا نهایت سوءاستفاده را نموده و با گسترش این پدیده، اندک قبح باقی مانده را نیز در سایه سود سرشار حاصل از این عمل را به فراموشی بسپارند.

برخورد همراه با تردید قانونگذار در مقابله با جرم پولشویی و جرم انگاری صورت گرفته، نشان از سستی قانونگذار ایران برای مواجهه با این جرم فراملی است به خصوص اینکه تمامی جرایم اقتصادی به انگیزه موفقیت در مرحله پایانی اعمال مجرمانه خود که همان قانونی نشان دادن ثروت‌های غیر قانونی است که در قالب جرم پولشویی متبلور می‌شود. از نکات دیگر قابل توجه در این باره این است که قانونگذار متأسفانه در اقدامی نسنجیده نه تنها خود را در مظان اتهام حامیان مرتکبین این جرایم قرار داده بلکه سرزنش پذیری آن را نیز در میان عموم جامعه به چالش کشیده است و واضح است که توفیق در امر مبارزه با جرایم اقتصادی بدون مقبولیت عمومی و سرزنش پذیری عام این جرایم از سوی مردم به خصص همراه با برخی اقدامات نسنجیده تقنینی عملاً غیر ممکن است..

معقول و منطقی نیست و برای رسیدن به این هدف باید تخفیف مجازات صورت گیرد. خصوصاً در مورد اقرار به توبه، این امر بسیار دشوار است، مخصوصاً در مورد مجرمان اقتصادی که استعداد خاصی در صحنه سازی و فریب افکار عمومی دارند که همه مجرمان فوق می‌توانند با صحنه سازی در صحنه جرم از مجازات جلوگیری کنند. خطر کشف جرم را احساس می‌کنند، در حالی که توبه به معنای مجازات است. توبه به معنای آگاهی قلبی و واقعی فرد برای اصلاح اشتباهات و خطاهای فرد مجرم است در حالی که برخی از مجرمان برای فرار از مجازات تلاش می‌کنند صحنه‌ای را به نمایش بگذارند. در صورت موفقیت، تمام تلاش‌های صورت گرفته در فرآیند نفی جرم تا تعقیب و کشف جرم و غیره مورد تمسخر قرار می‌گیرد و قطعیت مجازات‌ها نا امیدانه از بین می‌رود. در تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات اختلاس، تصرف رسمی و کلاهبرداری آمده است:

در صورتی که اختلاس کننده مرتکب جرمی شود و مجازات استرداد کلیه وجوه یا اموال اختلاس شده را بخواهد، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف و اجرای حکم حبس را متوقف می‌کند، اما حکم انفصال علیه وی اجرا می‌شود.

راهکاری که به نظر می‌رسد برای حل این چالش و مشکل این است که طبق مقررات نهاد، تعلیق مجازات (فصل پنجم - ماده ۴۰)، تعلیق اجرای حکم (فصل ششم - ماده ۴۶) و آزادی مشروط (فصل هشتم) - ماده ۵۸، مجازاتهای جایگزین حبس (فصل ۹ - ماده ۴۶)، بخشش و توبه (فصل یازدهم - مواد ۹۶-۹۸)، که مجرمان به ویژه مجرمان حرفه‌ای را به توسل به طرق قانونی دیگر شدت و تاثیر حکم را در نهادهای فوق کاهش دهند و یا از بین ببرند، در نتیجه احکام صادره بی اثر می‌مانند و قضاتی که مجبور به اجرای قانون هستند، از قانون استفاده می‌کنند و به برخی از تفاسیر مؤثر بر حکم مانند وضعیت اجتماعی محکوم علیه و ماهیت زندگی آن‌ها اظهار پشیمانی عمیق و... تحت تأثیر ناتوانی مجرم،

قرار می‌گیرند در غیر این صورت عدم قطعیت مجازات‌های تعیین شده را تأیید می‌کنند.

نهادهای مذکور اگرچه در راستای اهداف سیاست جنایی جامعه ایجاد می‌شوند، اما ویژگی‌های خاص مجرمان اقتصادی و نیز تأثیر مخرب جرایم و لزوم وجود جامعه هدفمند و مقتدر برای مقابله با آن را در نظر می‌گیرند. وجود یک دسته از مجرمان برای معرفی سیاست قانونی مجازات‌های افتراقی ضروری است. مجرمان اقتصادی از مؤسسه مستثنی شده‌اند یا محدودیت‌های خاصی برای برخورداری آن‌ها از این مؤسسات وضع شده است.

#### ۹-۱- دیدگاه امنیتی کیفرها- راهکار

اعمال مجرمانه اخلاقی در نظام اقتصادی که بارزترین رفتارهای مجرمانه در عرصه اقتصاد است. بر اساس ماده ۲ قانون مجازات متخلفان اقتصادی، برای مرتکبان کلاهبرداری که جنبه امنیتی داشته باشد، مجازات حبس در نظر گرفته شده است. بر اساس این ماده، هر یک از اعمال مندرج در بندهای ماده یک، در صورتی که به قصد ضربه زدن به نظم جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم می‌گردد.

جرایم اقتصادی مستلزم منشور کیفری است که با اجرای مجازات‌های خفیف تر مانند جریمه شروع و با اعدام خاتمه می‌یابد. در مواردی که این جرایم به صورت گروهی (مانند جعل اسکناس) و یا به قصد مخالفت با نظام (مانند اخلاقی در نظام اقتصادی) باشد، با ضمانت اجرای کیفری شدیدتری مواجه است. باید دانست که مجازات اعدام تنها زمانی اجرا می‌شود که مفسد فی الارض یا محارب شناخته شود و در اینجا باید پذیرفت که از نظر قانونگذار جرم اقتصادی به جرم امنیتی تبدیل شده است. قانونگذار به این موضوع توجه ندارد که در کجا، چگونه و تا چه حد منافع اقتصادی کشور مورد تهاجم قرار می‌گیرد، بلکه به این

تضمین می‌کند، توجهی نکرده است. نمونه‌هایی از جنایات عبارتند از:

اخلال در نظام اقتصادی: در صورتی که به قصد مقابله با نظام صورت گیرد و مصداق (مبهم) فساد در کشور پیدا شود، مرتکب کلیه جرایم موضوع قانون اخلال در نظام اقتصادی خواهد بود. محکوم به اعدام که علاوه بر مجازات ثابت، در صورت اثبات پس از اجرای مجازات، گناه شخص جز توبه نتیجه دیگری نخواهد داشت.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: ملاک تصمیم‌گیری و تعیین مجازات صرفاً کمیت و میزان ریالی قاچاق است نه شرایط ارتکاب جرم یا مشخصات فردی مجرم.

جرایم مالیاتی: در اکثر این جرایم وضعیت به همین صورت است و فقط مجازات‌ها (هر چند بسیار نامتناسب با شدت جرم) بر اساس میزان و میزان مالیات پرداخت نشده تعیین می‌شود و به نظر می‌رسد قانونگذار. حاضر به طرح اتهامات کیفری نبوده و در تعیین مجازات جرایم مالیاتی و قاچاق کالا و ارز به دنبال کسب درآمد بیشتر از مجازات یا اهداف آن از جمله بازدارندگی و اصلاح مجرمان بوده است.

#### ۱۱-۱- عدم توجه به اصلاح و جامعه‌پذیر کردن مجرمین - راهکار

از جمله اهداف تعیین شده برای مجازات‌ها، اصلاح و تربیت مجرمان است. اصلاح مجرمان یکی از رویکردها و سیاست‌های مهمی است که جرم‌شناسان در قرون اخیر به آن پرداخته‌اند. بررسی اندیشه بشری قدمت و دیرپایی اندیشه اصلاح جنایتکاران را نشان می‌دهد به گونه‌ای که این امر در آرای فیلسوفان مشهور یونانی مانند افلاطون و ارسطو نیز مهم دیده می‌شود و در دوران باستان نیز مطرح بوده است (Altman, 2022, 92). البته رونق و گسترش اندیشه اصلاح جنایتکاران در قرون اخیر عمدتاً مرهون مکتب تحقق و عمدتاً ناشی از جنبش نوین دفاع اجتماعی است.

موضوع توجه دارد که آیا جرم اقتصادی با هدف برخورد با نظام صورت گرفته است یا خیر؟

برای رفع اثر از این منظر می‌توان این راهکار را به گونه‌ای ارائه کرد که قانونگذار با توجه به مراحل تخصصی تدوین قوانین و مقررات بین‌المللی، هنگام تدوین قوانین و مجازات‌های این گونه جرایم، اقدام به اخذ یک قانون و... نگاه منطقی به عمل، ارتکاب آن‌ها و تعیین مجازات آن‌ها باید جنبه امنیتی داشته باشد نه نگاه امنیتی و در تعیین مجازات باید آسیب جامعه را در نظر گرفت، زیرا ممکن است در صورت اولویت این دیدگاه امنیتی در تعیین ضمانت رعایت، ممکن است حقوق شرکت و حتی متهم را نقض کند.

#### ۱-۱۰- عدم توجه به اصل فردی ساختن مجازات

در قرن هجدهم بکاریا به لحاظ عدم اعتماد به قضات و با هدف تامین عدالت در گسترش سیستم مجازات‌های ثابت کوشید (Beccaria, 2021)، یعنی معتقد بود که مجازات باید اعمال شود؛ متناسب با جرم، نه با فرد (Honderich, 2006)، اما پس از او، بنام این روش را بی‌اثر دانست و فردی کردن مجازات‌ها را ابزاری مهم برای دستیابی به اهداف بازدارنده مجازات معرفی کرد. وی در واقع بر تناسب مجازات‌ها با میزان مسئولیت و همچنین با ویژگی‌های فردی و اجتماعی و سایر شرایط مرتکبین اصرار داشت و این تناسب را عامل اصلی بازدارنده مجازات‌ها می‌دانست.

با بررسی مجازات‌های پیشنهادی برای جرایم اقتصادی در می‌یابیم که در برخی موارد مجازات‌های ثابت و رویه‌های غیرقضایی هم از سوی بازپرسانی که با مشکل ناآشنا هستند و هم در مورد تکلیف قانون‌گذارانی که آن را پیش‌بینی نکرده‌اند، در نظر گرفته می‌شود. در اغلب موارد حتی اگر حکم قطعی و غیرقابل اعتراض باشد و یا مجازات اعدام بدون اصلاح لحاظ شود، می‌توان گفت که قانونگذار به این مهم که اثر بازدارندگی بهتری از مجازات را

سیاست جنایی سازمان ملل متحد نیز تا حد زیادی تحت تأثیر نظرات بنیانگذاران آن حرکت - جنبش است. امروزه اگرچه به دلیل اعلام عدم موفقیت جرم شناسی اصلاح و درمان، بررسی نظرات موجود در اصلاح مجرمین حاکی از اختلاف نظر در مفهوم اصلاح است. در این میان، عمیق ترین اختلاف مربوط به عقاید دینی و غیر دینی است. گاهی اصلاح با دگرگونی عمیق در روح، تفکر، احساس و رفتار مجرم همراه است. اصلاح مستلزم تغییر نگرش، تشخیص بدی عمل ارتكابی و تصمیم صادقانه برای زندگی آینده است، بنابراین اصلاح مستلزم تغییر نگرش اخلاقی مجرم است (Altman, 2021) که البته امری ارزشمند و شایسته است.

برخی با رؤیا خواندن چنین چیزی معتقدند که اصلاح را باید به عنوان یک مفهوم بازپروری که به مفهوم سازگاری اجتماعی مجرمین نزدیکتر است، تلقی کرد. توانبخشی در این معنا عبارت است از استفاده از اقدامات و تدابیری برای بازگرداندن مجرم به وضعیت رفتار اجتماعی مناسب و بهتر است، حالتی که فرد قبل از ارتكاب رفتار مجرمانه داشته است (Button et al., 2022) به دلیل رفتار مجرمانه، او از مهارت‌های اساسی لازم برای یک زندگی اجتماعی سالم محروم است و در معرض فرآیند دیگری به نام (پرورش) قرار می‌گیرد. توانبخشی و آموزش هر دو تدابیر و اقدامات ویژه‌ای هستند که ماهیت آموزشی، تربیتی یا فنی، حرفه‌ای یا مذهبی دارند که عمدتاً با محوریت محرومیت از آزادی انجام می‌شود. به همین دلیل، برخی توانبخشی را مفهوم بازگرداندن مجرم به جایگاه خود در جامعه از طریق نوعی آموزش فنی یا آموزش یا درمان می‌دانند.

در صورتی که بازگشت فرد به جامعه علاوه بر آموزش‌های فوق، مستلزم اقدامات درمانی و روانپزشکی باشد، از اصطلاح ((اصلاح و درمان)) استفاده می‌شود. تامین امنیت جامعه برای ارتقای امکانات آن برای سازگاری اجتماعی ضروری است (Lazarev,

2013). مفهوم اصلاح و درمان بر این اساس استوار است که مجرمان افراد بدی نیستند، بلکه افراد بیمار هستند که رفتار ضد اجتماعی آن‌ها حاکی از برخی اختلالات شخصیتی یا سایر اختلالات روانی است و به همین دلیل باید تحت درمان قرار گیرند. در یک نهاد یا ساختار سازمانی خاص و با الگوهای اصلاحی متفاوت صورت می‌گیرد.

منظور از این اصطلاح بیان کارکرد کلیه افراد، نهادها و سازمان‌هایی است که متهم، محکوم، مجرم صغیر و غیره را تحت اراده خود دارند. و مسئولیت کنترل و درمان خود را بر عهده دارند، از این نظر اصلاح و تربیت به کل نظام اصلاحی و تربیتی اطلاق می‌شود و دارای مدل‌هایی است که شامل مدل بالینی، حمایت اجتماعی و... می‌شود (Azimi & Gholami, 2017).

از منظر اسلام، اصلاح معنای وسیع تری نسبت به احیای جایگاه اجتماعی محرم دارد و به تغییر و تحول درونی مجرم اشاره دارد که در رفتار اجتماعی بیرونی او نمود پیدا می‌کند. این معنا با الفاظ و روش‌هایی که در متون اسلامی برای اصلاح مجرم یا مقصود از مجازات‌ها آمده است به کار می‌رود. مثلاً هدف از مجازات‌ها «بهبود و کمال» مجرم است و برای اصلاح مجرم از روش‌هایی مانند «توبه» استفاده می‌شود. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مائده، جنایت را جنایت علیه بشریت و شعور جنایتکار از جنایت تعریف می‌کند. او و همه انسان‌ها تولد دوباره او را «هذیان و وهم» می‌دانند. این نکته مهم بیانگر عمق نگرش اسلام به اصلاح و جایگاه رفیع اصلاح جنایی در سیاست جنایی اسلام است و ناشی از نگاه ویژه اسلام به ارزش اصلاح و تربیت مردم است که هدف اصلی از بعثت پیامبران الهی است. به ویژه پیامبر گرامی اسلام، تمامی مبانی انسان شناختی، جامعه شناختی و ارزشی اصلاح جنایی را در خود دارد.

راهکاری که برای حل این مشکل می‌توان ارائه کرد این است که با بررسی آراء و نظرات فیلسوفان حقوق جزا و جرم شناسان

عدم حضور شاکیان خصوصی و اقدامات غیرقانونی ذی نفعان و سوء استفاده‌های احتمالی از آن‌ها که مانع از کشف و مجازات آن‌ها می‌شود.

خطر از بین رفتن امتیازات حاصل از جرم ارتشاء به دلیل وجود منافع مشترک و غیره به هیچ وجه کشف نمی‌شود و در صورت کشف به دلایل و ملاحظات مختلف یا به دلیل فساد. در دستگاه‌های اجرایی و قضایی آنطور که باید مجازات نمی‌شوند.

علاوه بر مطالب یاد شده، نامتناسب بودن مجازات‌ها که درد مشترک همه جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ماست، دلیل دیگری برای سرخوردگی ما از اصلاح از طریق مجازات می‌شود.

به دلیل عدم تدابیر مشخص در خصوص مجرمان اقتصادی زندانی و عدم تدابیر ویژه زندانبانی، اکثر زندانها به دلیل تبادل اطلاعات بین آن‌ها به مراکز آموزشی کیفری و دانشگاهی تبدیل شده اند تا خطرپذیری آن‌ها افزایش یابد. به ویژه با مجرمان حرفه‌ای طبقات دیگر و زمینه همکاری آینده آن‌ها را فراهم می‌کند و از طرف دیگر در رسیدن به اهداف زندان ناکام مانده اند (ایمانی، ۱۴۰۱، ۲۵۱) و از طرفی مجازات‌های غیر تعزیری مانند مجازات جرائمی مانند پولشویی، قاچاق، تصرف غیرقانونی و... بازدارندگی کافی ندارد و از ویژگی‌های اصلاحی و تربیتی برخوردار نیست. از این جهت شامل همه مجرمان نمی‌شود، به ویژه اینکه بر اساس ماده ۲۳ قانون مجازات جدید، این مجازات‌ها فقط در مورد جرائمی است که مجازات آن‌ها از نظر شدت درجه شش یا بالاتر باشد، در این مورد جرایم. قاچاق کالا و ارز، نگهداری غیرقانونی و پولشویی مشمول تحریم‌های فوق الذکر نمی‌باشد. بنابراین، با توجه به آنچه در بالا در مورد تعریف اصلاح، بازپروری، معالجه و تربیت بیان شد، نمی‌توان در نظر گرفت که مجازات‌های تعیین شده برای مفاسد اقتصادی دارای ویژگی‌های ذکر شده است و از آن‌ها انتظار اصلاح و اجتماعی شدن مجرمان را داشت و یا اینکه اعتقاد بر این است

می‌توان راهکارها و روش‌های اصلاح مجرمان را به چهار دسته کلی زیر تقسیم کرد:

الف- اصلاح مجرمان از طریق مجازات

ب- اصلاح مجرمان با اقداماتی از جمله حبس

ج- اصلاح مجرمان از طریق استفاده از مجازات‌های تربیتی و تربیتی غیر از حبس

د- اصلاح مجرمان از طرق غیر مجرمانه

با نگاهی به مجازات‌های تعیین شده برای جرایم اقتصادی می‌توان گفت که اصلاح از طریق مجازات‌های تعیین شده به دلایل زیر با چالش‌های اساسی مواجه است که با رفع آن می‌توان به اصلاح مجرمان امیدوار بود.

اصلاح از طریق مجازات به ویژه در مجازات‌هایی مانند آنچه در قانون مبارزه با اخلاک‌گران اقتصادی می‌بینیم که از طریق اعدام به زندگی فرد خاتمه می‌دهد، عملاً منتفی است.

در جرائمی مانند پولشویی، قاچاق کالا، تصرف غیرمجاز و جرایم مالیاتی با توسل به مجازات‌هایی از قبیل مصادره دارایی و جرایم نقدی که بر خلاف جدیت آثار آن‌ها بر مصالح عمومی، مجازات ندارد.

در جرایم مالیاتی حتی اعمال تحریم‌ها نیز مشکوک است و بهتر است بگوییم قانونگذار طبق معمول نظام بانکی کشور برای تسهیلات معوق بانکی در اکثر موارد به استثنای موارد معدودی، تأخیر در پرداخت مالیات وضع کرده است. مواردی که مجازات آن زندان است (که با قبح عمل ارتكابی مطابق بالا نمی‌آید) و در مواردی که مجازات‌های مهم و نامتناسب برای مجرمان با چالش‌هایی از جمله عدم کشف جرم در نظر گرفته شده است. نفوذ و نفوذ عاملان در دستگاه اجرایی و قضایی کشور مانند دخالت وزرا و نمایندگان و تبانی مقامات دولتی باهم یا با افراد عادی به علت نفوذ کارمندان و مسئولین دولتی در فرآیند کشف و اعلام جرم همراه است.

که برای جنبه‌های عمومی و اختصاصی پیشگیری از مجازات‌های فوق‌الذکر بوده است.

#### ۱-۱۲- عدم بازدارندگی مجازات‌ها - راهکار

بازدارندگی در لغت بر گرفته شده از مصدر ((بازداشتن)) و به معنای جلوگیری کردن است (Moein, 2007) و در زبان انگلیسی معادل واژه (Deterrence) که به معنای بازداشت، منع و به ویژه منع از راه ارعاب و تهدید بیان شده است. ضمناً در توضیح اصطلاحی این کلمه ارعاب و تهدید نیز بیان شده است: کافی است بازدارندگی را ترک یا کاهش ارتکاب عمل مجرمانه توسط شخص تعریف کنیم، زیرا شخص متوجه می‌شود که با ترک یا کاهش آن عمل، خطر تحمل مجازاتی که هر فرد مرتکب می‌شود کاهش می‌یابد. در صورت وقوع جرم از آن کاسته می‌شود (Azami Moghadam, 2011; Azimi & Gholami, 2017).

آموزش دکترین حسابداری جنایی بر این است که ارائه نیروی بازدارنده به وزن مجازات به نفع بزه دیده بستگی دارد و این آرمانی ترین انتظار از مجازات‌ها یعنی پیشگیری از وقوع جرایم است چرا که در صورت تحقق، نه جرمی اتفاق می‌افتد و نه مجرمی باید تعقیب و مجازات شود و نه نهادهایی برای این امر می‌بایست شروع به فعالیت نمایند و نهایت اینکه از هیچکدام از فرآیندهای ناکارآمدی کیفری و اثرات مخرب آن بر روی فرد و جامعه نیز خبری نخواهد بود. فرد و جامعه البته باید توجه داشت که پیشگیری ذاتاً موضوعی فعال است و از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند، در حالی که سیاست جنایی که موضوع بحث ماست جنبه واکنشی دارد و اغلب پس از وقوع جرم وارد عمل می‌شود. در یک تعریف کلی و گسترده، پیشگیری هرآنچه که علیه جرم بوده و آن را کاهش می‌دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بنابراین مجازات، استرداد خسارت وارده به بزه دیده و شخصی سازی حکم توسط قاضی، پیشگیری محسوب می‌شود.

راهکار پیشنهادی برای رفع این مشکل این است که یک سیستم کیفری مناسب با اعمال مجازات بر اساس آموزه‌های آموخته شده می‌تواند در پیشگیری از جرایم موثر باشد. مجازات باید به اندازه کافی مضر باشد تا بتواند در مبارزه با منافع جنایت پیروز شود و سه راهبرد را برای جلوگیری از ارتکاب جرم ارائه می‌دهد:

الف- از بین بردن قدرت و توانایی شخص در ارتکاب جرم.

ب- از بین بردن میل به ارتکاب جرم.

ج - ارعاب برای ارتکاب جرم

رعایت شرایط فوق مستلزم برنامه کیفری منسجم و متناسب با جرایم و مرتکبین آن است که با رعایت اصولی از قبیل تناسب مجازات‌ها، قطعیت و قطعیّت در اجرا، مقبولیت و مذموم بودن عام و اصلاح قابل تحقق باشد. و بازپروری مجرمان که متأسفانه به دلیل عدم تحقق این شرایط، بازدارندگی سیاست جنایی ما در برابر جرایم اقتصادی عملاً محقق نشده است.

#### نتیجه‌گیری

با بررسی دقیق چالش‌های ماهوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی، روشن شد که نظام کیفری کشور با مجموعه‌ای از ناهماهنگی‌ها، ابهام‌ها و عدم انسجام در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی مواجه است. این وضعیت باعث شده تا سیاست جنایی اقتصادی ایران از یک الگوی مؤثر و کارآمد برای پیشگیری، کشف، تعقیب، مجازات و اصلاح مجرمین اقتصادی فاصله بگیرد.

در بخش نخست مقاله، به خلأ مفهومی موجود در تعریف جرم اقتصادی اشاره شده است. نبود یک تعریف واحد و قانونی از این نوع جرم، باعث پراکندگی در مصادیق، ناهماهنگی در سیاست‌گذاری و تشتت در تصمیم‌گیری‌های قضایی شده است. این فقدان، دست سیاست‌گذاران را برای اتخاذ راهبردهای کلان می‌بندد و مجریان قانون را دچار سردرگمی می‌سازد.

در بخش دوم، به ضعف در سیاست‌گذاری تقنینی اشاره شد. قانون‌گذار ایرانی در برخورد با جرایم اقتصادی رویکردی اغلب

این سیاست نیازمند اقداماتی نظیر: تدوین یک تعریف جامع و دقیق از جرم اقتصادی، تصویب قوانین منسجم و تخصصی، تشکیل نهادهای تخصصی رسیدگی، تربیت قضات متخصص، بازنگری در ضمانت‌های اجرایی، و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه مبتنی بر شفافیت اقتصادی و عدالت اجتماعی است.

بدون تردید، موفقیت در مقابله با جرایم اقتصادی مستلزم درک صحیح از ماهیت این پدیده، پذیرش چندبُعدی بودن آن و هماهنگی نهادی و راهبردی میان اجزای مختلف سیاست جنایی است.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

In recent decades, the dramatic transformation of economic crimes—ranging from embezzlement and money laundering to tax evasion and rent-seeking—has triggered a global rethinking of criminal policy frameworks. These crimes, by their nature, do not simply jeopardize individual victims or entities but erode the foundational principles of public trust, national security, and financial order. Within the Iranian context, the surge in economic crimes has exposed severe structural and conceptual deficiencies in the criminal justice system, particularly its substantive criminal policy. The most prominent among these challenges is the ambiguity surrounding the legal definition of economic crime. Without a comprehensive and exclusive legal definition, Iranian criminal law struggles to consistently categorize, prosecute, and penalize such offenses. This definitional void allows for interpretive inconsistencies and fosters a fragmented regulatory landscape, resulting in discretionary enforcement and weakened deterrent capabilities. For instance, embezzlement in the private sector remains

واکنشی و مناسباتی داشته است، به گونه‌ای که قوانین عمدتاً متأثر از بحران‌های اقتصادی یا فشارهای اجتماعی تصویب شده‌اند. این نحوه قانون‌گذاری موجب شده است که چارچوب‌های کیفری ثبات نداشته باشند و دچار تغییرات متعدد، گاهاً متناقض یا شتاب‌زده شوند.

همچنین، در بررسی ابعاد ضمانت اجرایی، مشخص شد که در بسیاری از موارد، مجازات‌های مقرر برای جرایم اقتصادی نه تنها بازدارنده نیستند، بلکه در مقایسه با منافع حاصل از ارتکاب جرم، به‌هیچ‌وجه تناسب ندارند. این امر، با اصل تناسب جرم و مجازات و همچنین اصل بازدارندگی در سیاست جنایی در تعارض است.

در نهایت، باید اشاره کرد که نبود سیاست جنایی اقتصادی کلان‌نگر و منسجم، موجب شده تا واکنش کیفری به جرایم اقتصادی نه تنها

ناکارآمد، بلکه گاه زمینه‌ساز فساد مضاعف شود. از این رو، اصلاح insufficiently criminalized despite international mandates such as Article 22 of the Merida Convention, which requires member states to legislate against embezzlement in both public and private sectors (Aghababayi, 2007). The prevailing view that such behavior constitutes mere breach of trust under Article 674 of the Islamic Penal Code fails to appreciate the institutional role and fiduciary duty involved, thus undermining both the legal and symbolic response to white-collar malfeasance (Farahmandfar, 2009).

A second area of significant concern lies in the Iranian legal system's outdated approach to the digitalization of economic crime. The emergence of electronic money laundering, driven by the anonymization of transactions and cross-border capabilities of cyber infrastructures, renders traditional criminal justice tools insufficient. Encryption, digital signatures, and real-time virtual transactions have dramatically changed the landscape of financial crime (Jalali Farahani, 2005). Nevertheless, Iran's current cybercrime

legislation—most notably the 2009 Cyber Crimes Law—fails to separately criminalize electronic money laundering, thereby ignoring its distinct operational and evidentiary dynamics. The need for explicit criminalization is also underscored by the United Nations Eleventh Crime Congress report (2005), which urges member states to address electronic money laundering as a distinct offense and to prevent the creation of “safe havens” for digital financial criminals (Noorzad, 2010). Additionally, the Iranian criminal code neglects to criminalize “attempts” at money laundering, despite mandates in Article 27(2) and Article 23(b)(1-2) of the Merida Convention requiring states to penalize preparatory acts related to laundering (Ghannad, 2008). This legal omission reveals an incomplete alignment between Iran’s statutory framework and its international obligations, severely hampering pre-emptive enforcement and judicial coherence.

The banking and capital markets sectors, due to their systemic significance, demand specialized attention within criminal policy—but Iranian law remains underdeveloped in this respect. While banks are central to financial intermediation, credit allocation, and macroeconomic stability, crimes specific to banking—such as fraudulent letters of credit, misuse of electronic banking tools, and guarantees fraud—are not comprehensively criminalized (Saki, 2012). Likewise, stock market offenses, which directly affect investor trust and capital flows, are inadequately addressed. Although some of these crimes—such as insider trading and manipulation—are covered in Articles 46–52 of the Securities Market Act, they remain absent from the Islamic Penal Code’s taxonomy of economic crimes (Ghorbani & Bagheri, 2010; Mohaghegh Damad, 2019). The lack of recognition undermines the symbolic denunciation of market misconduct and renders punitive responses piecemeal. This neglect is

particularly concerning given the prominent role capital markets play in transitional economies like Iran, where their integrity is instrumental in attracting domestic and international investment. Moreover, the failure to harmonize banking and securities regulation with overarching criminal law exacerbates institutional inefficiency and leaves significant financial misconduct inadequately sanctioned.

The principle of proportionality in criminal sentencing—fundamental to both Islamic and Western traditions—has not been effectively implemented in Iran’s penal policy concerning economic crimes. According to thinkers like Beccaria, proportionality involves matching punishments to the moral and social gravity of crimes to uphold legitimacy and deterrence (Beccaria, 2021). Yet in the Iranian context, sentencing often lacks coherence. For example, crimes such as tax evasion—which significantly erode public revenue and exacerbate socio-economic inequalities—carry lighter penalties than offenses with lesser macroeconomic implications like individual fraud or bribery (Ellis, 2005; Garland, 1990). The disparities are further evident in cases where corporate executives exploit institutional loopholes, committing massive public harms with impunity. Additionally, certain crimes with substantial societal consequences—such as illegal appropriation of public funds—are treated leniently, while less impactful offenses receive comparatively harsher sanctions. This incoherence not only undermines justice but also fails to communicate societal condemnation of deeply corrosive economic behavior (Al Benson & Simpson, 2012; Ashworth, 2003).

Another dimension of weakness is the ineffective design and execution of penal sanctions. Many economic crimes in Iran are penalized through administrative fines or asset seizures that lack certainty, severity, and celerity—the classic pillars of deterrence

theory (Noorba, 2020; Pradel, 2009). Some provisions, such as those in the Law on the Aggravation of Penalties for Bribery and Embezzlement, allow for reduced sentences or conditional suspensions upon voluntary confession or restitution, even before formal prosecution. While such incentives may serve utilitarian goals, they compromise the credibility of justice by signaling leniency for high-profile economic criminals capable of manipulating legal loopholes. Furthermore, the failure to restrict the eligibility of economic offenders from benefiting from probation, parole, and sentence suspension mechanisms weakens the system's ability to foster public denunciation and ensure meaningful accountability. Moreover, fixed-penalty schemes based solely on the value of the damage—common in customs and tax offenses—ignore the offender's culpability, recidivism risk, or social standing, thereby thwarting individualized justice and rehabilitation goals (Altman, 2021; Button et al., 2022).

Finally, the rehabilitative and preventive functions of criminal policy are almost entirely absent in the Iranian approach to economic crime. Not only are economic offenders rarely subjected to structured correctional programs that aim for behavioral reform or social reintegration, but they also often emerge from incarceration with greater criminal know-how and social capital. Overcrowded prisons, inadequate classification mechanisms, and lack of vocational training programs transform prisons into breeding grounds for recidivism rather than spaces of reflection and transformation (Azimi & Gholami, 2017; Lazarev, 2013). Compounding the problem is the marginal role assigned to non-custodial measures such as community service, behavioral correctional training, or financial ethics education, especially in cases involving corporate or white-collar offenders. Moreover, the weak conceptual integration of Islamic

principles—such as repentance (tawbah) and restitution—as rehabilitative tools in modern jurisprudence means that the system fails to harmonize its punitive and spiritual foundations. These gaps demonstrate the urgent need for a multi-dimensional criminal policy, one that goes beyond retribution and deterrence to incorporate correction, social reintegration, and preventive strategies for economic crimes.

In conclusion, the substantive flaws in Iran's criminal policy toward economic crimes stem from both legislative and philosophical deficiencies. The legal system lacks a comprehensive and coherent definition of economic crimes, leading to fragmented enforcement, inconsistent judicial practices, and selective punishment. Outdated criminal codes fail to address the digital and cross-border nature of modern financial offenses, while sentencing frameworks often neglect proportionality, deterrence, and rehabilitation. Furthermore, current policies fail to empower courts with flexible, individualized responses or to implement non-penal measures aimed at prevention and reintegration. To address these challenges, Iran must reform its criminal policy based on international norms, empirical criminological insights, and a renewed commitment to social justice and economic integrity.

## References

- Abdolmaleki, M. (2012). *Criminal Protection of the Banking System degree=Master's Thesis*
- Aghababayi, H. (2007). New Strategies in Criminal Policy to Combat Corruption with Emphasis on Bribery and Embezzlement. *Journal of Useful Letters*, 17(61ER -).
- Al Benson, M. S., & Simpson, S. (2012). *White-Collar Crimes: An Opportunity-Based Approach*.
- Altman, M. (2021). *A Theory of Legal Punishment: Deterrence, Retribution, and the Aims of the State*. London, Routledge.  
<https://doi.org/10.4324/9781003143352>
- Ashworth, A. (2003). *Principles of Criminal Law*. London, Oxford.
- Azami Moghadam, M. (2011). Conceptualization of Economic Crime or Economic Corruption. *Detective*, 4(16).

- Azimi, S. M., & Gholami, A. (2017). Technological Supervision in Situational Prevention of Economic Crimes and Its Challenges with Information Privacy. *Parliament and Strategy*(91).
- Beccaria, C. (2021). *On Crimes and Punishments*. Tehran: Mizan.
- Button, M., Branislav, H., & David, S. (2022). *Economic Crime: From Conception to Response*. London, Routledge.  
<https://doi.org/10.4324/9781003081753>
- Ellis, A. (2005). *The Philosophy of Punishment*. London, Imprint Academic.
- Farahmandfar, H. (2009). Obligations of the Iranian Legislator Following Accession to the United Nations Convention Against Corruption. *Detective*, 2(7).
- Garland, D. (1990). *Punishment and Modern Society: A Study in Social Theory*. Chicago , University of Chicago Press.  
<https://doi.org/10.7208/chicago/9780226922508.001.0001>
- Ghannad, F. (2008). Money Laundering in the Context of Information and Communication Technology. *Law and Politics*, 10(24).
- Ghorbani, M., & Bagheri, A. (2010). Market Manipulation of Securities. *Journal of Public Law Research*(1).
- Honderich, T. (2006). *Punishment: The Supposed Justifications*. Chicago, Pluto Press.
- Jalali Farahani, A. H. (2005). Electronic Money Laundering: Jurisprudence and Law. (4).
- Lazarev, C. (2013). *Introduction to Criminal Policy*. Tehran: Mizan.
- Moein, M. (2007). *Moein Dictionary (One-Volume Persian)*. Tehran: Zarbin.
- Mohaghegh Damad, M. (2019). *Reasoned Jurisprudence (Comparative Criminal)*. Tehran: Center for Islamic Sciences Publishing.
- Noorba, R. (2020). *Foundations of General Criminal Law*. Tehran: Mizan.
- Noorzad, M. (2010). *Economic Crimes in Iranian Criminal Law*. Tehran: Jungle Publications.
- Pradel, J. (2009). *Comparative Criminal Law*. Tehran: Mizan.
- Saki, M. R. (2012). *Economic Criminal Law*. Tehran: Jungle Publications.